

## فیلیپ لوین: ملک الشعراء جدید آمریکا:

### شعر با زندگی مردم ارتباط زیادی دارد!



فیلیپ لوین، ملک الشعراء جدید آمریکا که کار خود را با کارگری در کارخانه ها آغاز کرد و بعد به شعر و شاعری پرداخت و به دانشگاه راه یافت، می خواهد به مردم آمریکا ثابت کند که شعر تا چه حد با زندگی آنها ارتباط دارد. هدف دیگر لوین این است که شاعران گمنام را به جامعه بشناساند.

لوین با اینکه در طول شصت سال حرفه شاعری، جوایز بسیاری از جمله پولیتزر، جایزه ملی کتاب، جایزه شعر روث لیلی، جایزه انجمن گوگنهایم و غیره را دریافت کرده است، در یک گفتگوی تلفنی اعتراف کرد که باورش نمی شد، آنها در هشتاد و سه سالگی، برای چنین مقام شایسته ای انتخاب شود.

شعر لوین، با تجارب شخصی اش هنگام کار در کارخانه ها، بازتابی از فعالیت های روزمره و بافت زندگی طبقه کارگر آمریکاست. سیاست و مسائل اجتماعی و طبقاتی مثل حلقه های زنجیر، واژه های شعرش را به هم ترکیب و متصل می کند.

دیوید سنت جان، استاد شعر دانشگاه جنوب کالیفرنیا، که از شاگردان سابق لوین است، می گوید: «لوین به منزله نهادی آمریکائی است و انتصاب او باید سال ها پیش از این صورت می گرفت. لوین شاعری انساندوست و جامعه گراست. صدای عدالت اجتماعی و سیاسی در شعر آمریکاست. لوین، علاوه بر این، شاعر دنیای طبیعی و نیز دنیای صنعتی است.»

خلایقه به دانشگاه آیووا رفت. ضمن تحصیل در این دانشگاه، بطور نیمه وقت به تدریس پرداخت و پس از دریافت فوق لیسانس خود، در دانشگاه ایالتی فرسنو، سی و چهار سال در رشته شعر و ادبیات تدریس کرد. لوین هر سال، هفت ماه در فرسنو بسر می برد و چند ماه دیگر را در نیویورک می گذراند. او در در دانشگاه های کلمبیا، پرینستون، براون، یو. سی. برکلی، و دانشگاه نیویورک نیز تدریس کرده است.

ملک الشعراء آمریکا هر سال به وسیله کتابدارهای کتابخانه کنگره در واشینگتن دی. سی. انتخاب می شود. وظایف و مسئولیت های ملک الشعراء آمریکا که سی و پنج هزار دلار در دوره تصدی یک ساله خود دریافت می کند، بیشتر تشریفاتی است. ولی می تواند روی هر پروژه ای که می خواهد، کار کند. این دوره یک ساله از ماه اکتبر سال جاری آغاز می شود.

لوین که منتقد تیزبین فضای سیاسی فعلی آمریکاست، می گوید: «فکر می کردم بدترین آدم ها برای ملاقات در بخش انگلیسی دانشگاه ها گرد هم می آیند. اما وقتی اجتماع کنگره آمریکا را برای رأی گیری مشاهده می کنیم، باید برای ترکیب نادرست آنها جایزه ای به آنها اهداء کنیم!»

لوین در دیترویت به دنیا آمد. در چهارده سالگی در کارخانه های ماشین سازی به کار پرداخت. در دبیرستان با خواندن شعر «وحشتناک» استفن کرین، به شاعری گرایش پیدا کرد. وقتی که در کارخانه های ماشین سازی کادیلاک و شورلت کار می کرد آنقدر سرو صدا در اطرافش بود که به راحتی می توانست با صدای بلند شعر بخواند و کسی متوجه نشود. لوین سرانجام تصمیم گرفت به تحصیلات خود ادامه دهد. به همین جهت، در دانشگاه ایالتی میشیگان ثبت نام کرد. در آن جا لیسانس خود را دریافت کرد و برای گرفتن فوق لیسانس در رشته نویسندگی

گرچه ممکن است کاری نکنی.  
خودت را فراموش کن.  
این درباره انتظار است.  
روی پا ایستادن و پاها را جا به جا کردن.  
حس کردن باران ملایمی که مثل مه  
لابلای موهایت می ریزد. نگاهت را تار می کند  
آنچنان که فکر می کنی برادرت را می بینی  
جلوی چشم هایت. در چند قدمی.  
شیشه های عینکت را پاک می کنی با انگشت هایت  
و در می یابی که برادر آدم دیگری است  
که شانه هایش باریکتر از شانه های تست  
ولی همان آدم بیحال و غمگینی است که لبخند.  
سماجتش را پنهان نمی کند.  
که نه تسلیم باران می شود.  
و نه تسلیم ساعت ها که به عبث منتظر مانده است.  
با اینکه می داند کسی که جلوتر از اوست  
- به هر دلیلی که می خواهد.... -  
خواهد گفت: «نه. کسی را امروز استخدام نمی کنیم!»

لوین در سال ۱۹۸۰ جایزه انجمن منتقدان ملی کتاب را برای  
مجموعه «خاکسترها» نصیب خود ساخت؛ همچنان که جایزه همین  
انجمن را نیز برای مجموعه «هفت سال از جایی» دریافت کرد.  
در سال ۱۹۹۱ جایزه ملی کتاب برای مجموعه «هرآنچه کار هست»  
به لوین اهداء شد؛ او در سال ۱۹۹۵ برای مجموعه اشعارش موسوم  
به «حقیقت ساده» جایزه پولیتزر را دریافت کرد. در سال ۱۹۹۷ به  
عنوان عضو آکادمی هنر و ادبیات آمریکا انتخاب شد و از سال ۲۰۰۰  
تا سال ۲۰۰۶، ریاست افتخاری آکادمی شعراء آمریکائی را به عهده  
گرفت. در اینجا ترجمه شعر «هر آنچه کار هست» را از مجموعه ای  
به همین نام از او می خوانید:

در باران می ایستیم  
در صفا دراز  
و در پارک هایلند فورده منتظر می مانیم  
برای کار.  
می دانی. هر آنچه کار هست! -  
مگر سن و سالت آنقدر باشد  
که بتوانی این را بخوانی و بدانی  
هر آنچه کار هست

## تمبر «جاودانه» ها برای کارگردانان بزرگ سینمای آمریکا در سال ۲۰۱۲ منتشر می شود

را با ساختن فیلم های کمدی در دوران  
سینمای صامت آغاز کرد و با موفقیت  
توانست به عرصه سینمای ناطق نیز وارد  
شود. او نیز سه جایزه اسکار را در طول  
چند دهه فیلمسازی برای فیلم های «یک  
شب اتفاق افتاد»؛ ۱۹۳۴، «آقای دیدز به  
شهر می رود»؛ ۱۹۳۶ و «نمی توانی آن  
را با خودت ببری»؛ ۱۹۳۸ دریافت کرد.  
کاپرا در سال ۱۹۹۱ در نود و چهار سالگی  
درگذشت. تصویر کاپرا نیز با تصویری  
از فیلم «یک شب اتفاق افتاد» که در آن  
کلارک گیبل و کلودت کولبرت بازی دارند،  
تلفیق خواهد شد. در ماه های آینده نیز اداره  
پست آمریکا اسامی کارگردان های دیگری  
را اعلام خواهد کرد. این اقدام ستوده اداره  
پست آمریکا برای تقدیر از هنرمندان قابل  
تحسین است.

به کار گرفت.  
ماه گذشته اداره  
پست آمریکا اعلام کرد  
جان فورد را که در سال  
۱۹۷۳ درگذشت، با  
انتشار تمبر مخصوصی  
در سال آینده، جاودانه  
خواهد ساخت. این تمبر  
آمیزه ای از تصویری از  
فیلم وسترن «جویندگان»

و تصویری از جان فورد خواهد بود.  
فرنک کاپرا دومین کارگردانی است  
که در برنامه سری تمبر های «جاودانه» های  
کارگردانان بزرگ سینمای آمریکا که در  
سال ۲۰۱۲ از سوی اداره پست آمریکا  
منتشر خواهد شود، قرار گرفته است.  
کاپرا نیز از کارگردانانی بود که کار خود



جان فورد در طول حرفه درخشان خود  
چهار جایزه اسکار را به خود اختصاص  
داد: «خبر چین»؛ ۱۹۳۵، «خوشه های  
خشم»؛ ۱۹۴۰، «چقدر دره من سرسبز  
بود»؛ ۱۹۴۵ و «مرد آرام»؛ ۱۹۵۳. فورد  
در فیلم وسترن معروف خود «دلجان» از  
جان وین ستاره ای بزرگ ساخت و او را در  
بسیاری از فیلم های برجسته وسترن خود

# جایزه افتخاری آکادمی علوم و هنرهای سینما

## برای اپرا وینفری، جیمس ارل جونز و دیک اسمیت



دیک اسمیت که هشتاد و نه سال دارد، کار چهره پردازی خود را در سال ۱۹۴۵ در تلویزیون ان. بی. سی. آغاز کرد و بعد به سینما راه یافت. از فیلم های کلاسیک او می توان «پدرخوانده»؛ ۱۹۷۳، «جن گیر»؛ ۱۹۷۶، «راننده تاکسی»؛ ۱۹۷۷ را نام برد. اسمیت برای چهره پردازی خود در فیلم «آمادئوس» در سال ۱۹۸۴ به دریافت جایزه اسکار نائل آمد. تام شرک گفت گرچه ممکن است علاقه مندانش سینما، اسمیت را نشانند ولی او یک افسانه زنده است و خدماتش به هنر سینما در خور تحسین است.

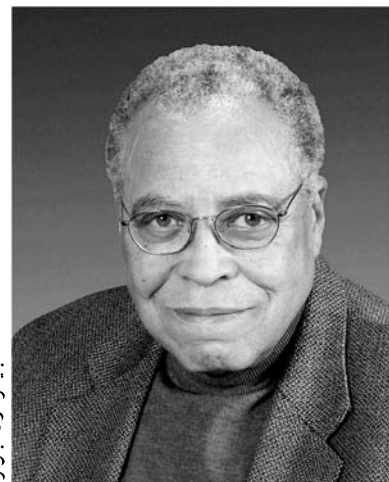


دیک اسمیت

آکادمی علوم و هنرهای سینما اعلام کرده است که در ماه نوامبر سال جاری طی مراسمی، جوایز افتخاری اسکار به سه تن از هنرمندان آمریکائی اهداء خواهد شد. جایزه افتخاری اسکار به جیمز ارل جونز، هنرپیشه نامدار و سیاهپوست آمریکائی، و دیک اسمیت، چهره پرداز سینمائی تعلق خواهد گرفت. اپرا وینفری، هنرپیشه و برنامه ساز تلویزیونی نیز جایزه انساندوستانه جین هرشولت را دریافت خواهد کرد.

جایزه افتخاری اسکار به کسانی اهداء می شود که در طول حرفه خود به دست آوردهای ممتازی در زمینه سینما نائل شده اند و به اعتلای علوم و هنرهای مربوط به سینما خدمات ارزنده ای کرده اند. جایزه انساندوستانه آکادمی به اپرا وینفری برای فعالیت های انساندوستانه اش که باعث اعتبار صنایع فیلمسازی است، تعلق می گیرد. آکادمی نام هنرپیشه دانمارکی، جین هرشولت را بخاطر بودجه امدادی که در سال ۱۹۳۹

است که برای بازی در نقش اول فیلم «امید بزرگ سپید» نامزد جایزه اسکار شد. و پس از آن نیز در نمایشنامه ها و فیلم های متعددی بازی کرد. تام شرک، که برای بار دوم به ریاست آکادمی انتخاب شده است با تلفن خبر انتخاب جونز را به او رساند و جونز از این خبر بسیار خوشحال شد. انتخاب اپرا وینفری که در تعداد کمی فیلم بازی کرده است و بیشتر یک برنامه ساز تلویزیونی است تا هنرپیشه، کمی غیر منتظره به نظر می آمد. ولی تام شرک، رئیس آکادمی گفت وینفری عضو آکادمی است و تاکنون بیش از پانصد میلیون دلار به سازمان های خیریه کمک کرده است. وینفری علاوه بر شبکه جدید تلویزیونی خود، شبکه دیگری نیز راه انداخته است که روی مسائل آموزشی و حقوق بشر تمرکز دارد. علاوه بر این بنیاد وینفری را تأسیس کرده و در آفریقای جنوبی نیز مدرسه ای برای تعلیم و تربیت دختران آفریقائی ساخته است که همه حاکی از فعالیت های انساندوستانه اوست.



اپرا وینفری



پیروزی بزرگ  
برای آمریکا در نبرد با تروریسم  
بود و به وسیله کسانی انجام گرفت که  
بی طرفانه و قهرمانانه عمل کردند و فیلم  
نیز بدون طرفداری از جمهوری خواهان یا  
دموکرات ها این داستان و حوادث آن را  
بررسی خواهد کرد. فیلم بیگلو که قبلاً «بن  
لادن را بکش» نامگذاری شده بود، در حال  
حاضر عنوانی برایش انتخاب نشده است.

## فیلمی بر اساس داستان قتل بن لادن

در اختیار فیلمسازان قرار دهد ولی سناتور  
پیتر کینگ، که رئیس کمیته امنیت کشور  
در مجلس سنای آمریکا است با این اقدام  
فیلمسازان و کمپانی سونی مخالفت کرده  
و معتقد است که چنین فیلمی و بررسی  
پرونده های محرمانه مربوط به این ماجرا  
ممکن است راز و رمز فعالیت های مخفیانه  
سی آی را بر ملا کند و مانع شکست چنین  
عملیاتی در آینده شود. او که از طرفداران  
حزب جمهوریخواه است به قصد فیلمسازان  
که می خواهند آن را سه هفته قبل از انتخابات  
ریاست جمهوری نمایش دهند، نیز مشکوک  
است.

بیگلو در این باره می گوید که قتل بن لادن

کترین بیگلو، کارگردان و مارک بول  
سناریست فیلم «مهلکه» که دو سال پیش به  
جایزه اسکار دست یافتند، از سال ها پیش  
در فکر ساختن فیلمی درباره قتل رساندن  
بن لادن بودند. قتل اخیر بن لادن این فکر  
آن ها را به واقعیت بیشتر نزدیک کرده است  
بطوری که کمپانی سونی در صدد بر آمده  
است بودجه این فیلم را هر چه زودتر تأمین  
کند و فیلم را برای ماه اکتبر سال ۲۰۱۲، سه  
هفته قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا  
در سراسر جهان به نمایش عمومی در آورد.  
کمپانی سونی، علاوه بر این، با سازمان  
سی آی تماس گرفته است تا پرونده های  
محرمانه اجرایی یافتن و قتل بن لادن را

## رضا بدیعی کارگردان سریال های تلویزیونی آمریکا در گذشت



که دائماً کار کنم که هرگز به  
فکر ورود به عرصه سینما  
نبودم؛ چون در سینما وقتی  
که یک فیلم می سازید باید  
سال ها صبر کنید تا مقدمات  
فیلم بعدی را فراهم کنید. به  
همین جهت من هیچوقت  
بیکار نمی نشستم و مرتب  
در تلویزیون، لااقل یازده ماه  
از سال را کار می کردم.

بدیعی با این حال، یک فیلم سینمایی بنام «مرگ یک غریبه»  
ساخت که داستان آن بر محور درگیری های فلسطینی ها با  
اسرائیلی ها می گردید ولی، متأسفانه، نه از نظر تجارتمی موفق بود و  
نه از لحاظ هنری. به همین جهت دوباره به تلویزیون بازگشت و کار  
سریال سازی را از سر گرفت که بسیار هم موفق بود.  
جای خوشوقتی است که دو برنامه بزرگداشت از بدیعی، یکی در  
کانون فیلم و دیگری در دانشگاه یو. سی. ال. ا. در زمان حیاتش  
برگزار شد و از این هنرمند برجسته ایرانی تقدیر به عمل آمد. نامش  
جاودانه و یادش گرامی باد.

رضا بدیعی کارگردان سریال های مختلف تلویزیونی آمریکا روز  
یکشنبه بیست و یکم ماه آگوست در لس آنجلس درگذشت.

بدیعی ۱۷ آوریل ۱۹۳۰ در اراک به دنیا آمد. از دانشکده هنرهای  
دراماتیک تهران فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۵۵ با پذیرفته شدن  
در کلاس های سینمایی دانشگاه سیراکیوز آمریکا، در رشته مطالعات  
صوتی - بصری ادامه تحصیل داد.

بدیعی تنها کارگردان موفق ایرانی بود که در دهه ۱۹۶۰ پس از  
یک دوره همکاری و کار بر روی پروژه های اولیه کارگردانان بزرگ  
آمریکائی مانند رابرت آلتمن و سم پکین پا، چندی به فیلمبرداری  
پرداخت. اما دیری نگذشت که با کمک این کارگردانان به تلویزیون  
آمریکای راه یافت و به کارگردانی سریال های تلویزیونی گوناگون روی  
آورد. بدیعی، اما، نامش با سریال «بالا تر از خطر» عجین شده است  
و کمتر ایرانی است که او را با نام کارگردان سریال «بالا تر از خطر»  
نشناسد. او انسانی شریف، فروتن، وارسته و اینثارگر بود و با آنکه  
بیش از ۴۳ ساعت برنامه تلویزیونی ساخته بود اما هرگز به خودش  
نمی بالید. او به ایرانی بودن خود بیش از دست آوردهای سریال  
سازی اش می بالید.

بدیعی در برابر این سؤال که چرا به جرگه کارگردانان سینمایی  
نیوست، می گفت آنقدر عاشق کارم در تلویزیون بودم و دوست داشتم

## ضبط مجموعه تازه ای از آهنگ های

### سه برنده جایزه پولیتزر



موسیقی قرار داده اند که کاری است در خور تحسین و ستایش. این سه آهنگساز در دهه ۱۹۴۰ هرکدام برای آهنگی که ساخته بودند جایزه پولیتزر در موسیقی را از آن خود کردند. با این حال، دسترسی به این آهنگ ها در مجموعه ای به صورت سی. دی. مقدور نبود. و اجرای این آهنگ ها نیز به ندرت صورت می گرفت. جای خوشوقتی است که ارکستر گرنت پارک آنها را برای اولین بار به صورت سی. دی. اجرا و منتشر کرده است.



ایرون کولپند

جایزه پولیتزر در موسیقی در سال ۱۹۴۳ به وجود آمد. هم در این سال بود که این جایزه برای اولین بار به «ویلیام شومان» تعلق گرفت که آهنگ «سرود آزادی» را در آن سال بر اساس شعری از والت ویتمن به همین نام ساخت. این آهنگ که در زمان جنگ جهانی دوم از آن برای تقویت روحیه سربازان استفاده می شد، هنوز هم امیدبخش و بشارت دهنده است.

برنده جایزه پولیتزر در سال ۱۹۴۵،

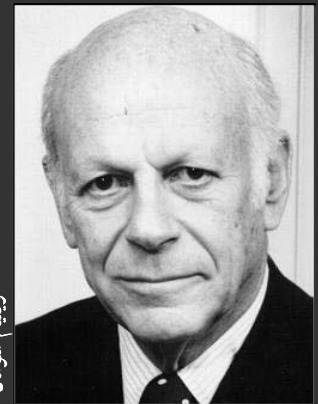
جایزه پولیتزر، مثل همه جوایز هنری و ادبی دیگر، بی شک، اعتباری برای پدیدآورندگان به وجود می آورد ولی کمتر، مخصوصاً در زمینه موسیقی، الهامبخش نوازندگانی می شود که این آثار را با نگرشی تازه اجرا کنند. اخیراً ارکستر گرنت پارک، به رهبری کارلوس کالمار و با همکاری گروه کر شیکاگو سه آهنگ از سه آهنگساز برجسته را اجرا و روی سی. دی. ضبط کرده و در اختیار علاقه مندان

«ایرون کولپند» بود که این جایزه را برای آهنگ «بهار آپالچی» به خود اختصاص داد. این آهنگ با همان سیزده ساز اصلی که اولین بار اجرا شد و مارتا گرام رقص های این باله را طراحی کرد، اجرا و ضبط شده است. با این همه، آهنگ کولپند همچنان تازه و با طراوت است.

جایزه پولیتزر در سال بعد، ۱۹۴۶، را «لئو سوربی» برای آهنگ «سرود خورشید» نصیب خود کرد. این آهنگ، با اجرای گروه کر و ارکستر بزرگ آن، بسیار مجلل و باشکوه به گوش می آید که باید در نظر داشت در آن سال ها، جنگ جهانی دوم پایان گرفته بود و اغلب آثار هنری و ادبی این دهه از اقتدار، امید و افتخار خاصی برخوردار بودند. اجرا و ضبط این مجموعه از هر نظر درجه یک است و برای علاقه مندان موسیقی، تهیه و گوش سپردن به آنها فرصتی مغتنم.



لئو سوربی



ویلیام شومان